

نقش روزنامه‌های فارسی زبان استانبول در انقلاب مشروطه ایران

حسین رضائزاد^۱

چکیده

در تدارک مقدمات مشروطه خواهی در ایران، امپراتوری عثمانی در زمینه سازی فکری انقلاب و در فرآیند وقوع آن به طرق مختلف اثرگذار بود. استانبول در آن دوره بستر مناسبی برای آشنایی و اقتباس اندیشه‌ها و آرمان‌های جدید محسوب می‌شد. منظر انتخابی پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، پاسخ به این پرسش است که روزنامه‌های فارسی زبان استانبول و به طور مشخص «اختر»، «شمس» و «شاهسون» چه نقشی در انقلاب مشروطه ایران داشتند؟ در این راستا مطبوعات فارسی زبان استانبول کمابیش فارغ از محدودیت‌های حاکم بر ایران عصر قاجار، به نضج آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جدید کمک شایانی می‌کرد و نقش برجسته و تعیین کننده‌ای در آشنایی ایرانیان و بویژه روشنفکران و اندیشه‌گران ایرانی با تجدد و مفاهیم بنیادین سیاسی و اجتماعی اروپا و علاقه مند کردن مردم به حکومت قانون در کشور ایفا نمودند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، روزنامه، استانبول، اختر، شمس، شاهسون.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و دبیر آموزش و پرورش

Rezanezhad_hossein@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۵

مقدمه

مطبوعات به عنوان عاملی اثر گذار در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع، از طریق تأثیر بر آگاهی‌ها، نگرش‌ها و باورهای اعضای جامعه، ایفاگر نقشی تعیین کننده در شکل گیری قدرت اجتماعی به شمار آمده و تعامل سازنده و کارآمدی را با نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌کردند. در دوره ناصرالدین شاه، به دلیل شرایط سیاسی حاکم بر جامعه و کشور، از سوی روشنفکران و اصلاح طلبان توجه ویژه‌ای به مطبوعات، به عنوان ابزاری جدید در ایجاد آگاهی و بیداری مردم و تغییر در مناسبات قدرت شد. در این میان ورود مفاهیم نوظهور چون آزادی، قانون و دموکراسی به ادبیات سیاسی ایران و تعامل، تقابل، بستر سازی و عینیت بخشیدن به آن مفاهیم جدید در قالب قوانین و مقررات حاکم بر کشور از یک سو و خودکامگی و استبدادِ رو به تزاید و بی‌اعتنایی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی و وضع کشور از سوی دیگر، روشنفکران و آزادی خواهان ایران را به مهاجرت واداشت. این امر هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایران را در اروپا و آسیا، پی ریزی کرده و فصل نوینی را در مطبوعات پیش از مشروطه گشود. انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م) تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفت. یکی از دگرگونی‌های تعیین کننده و اساسی در شکل گیری تحولات انقلابی عصر مشروطه، پدیده نوپای انتشار روزنامه‌های فارسی‌روشنگر در بیرون از مرزهای استبداد زده ممالک محروسه ایران بود. اصلاح طلبان و میهن پرستان روشنفکر ایرانی به علت عدم امکان نشر اندیشه‌های مترقیانه و ارتباطات مردمی آزاد، فصل نوینی را در انجام فعالیت‌های روزنامه نگاری دنبال کردند. آنان با آسودگی خاطر و به دور از دخالت‌های ناروای «اداره انطباعات مبارکه و سانسورچیان دستگاه دولتی» قلم را در جهت منافع ملی به کار گرفتند. (کهن، ۱۳۶۲: ۱۰۱/۱) روزنامه‌ها به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی در آن زمان دارای نفوذ





بسیار زیادی گردیدند. روزنامه‌هایی که در خارج از ایران و به خصوص استانبول چاپ می‌شد، توسط روشنفکران مرفقی و انقلابی اداره می‌شد. آن‌ها با نوشتن مقالاتی، وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت قاجار را به باد انتقاد می‌گرفتند. به‌رغم اینکه گزارش‌های منابع تاریخی این دوره بویژه روزنامه‌های «اختر» و «شمس» و تألیفات و پژوهش‌های محققان جدید نظیر «تاریخ جراید و مجلات ایران» اثر محمد صدر هاشمی، «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران» تألیف گوئل کهن و «افول اختر و طلوع شمس در استانبول» پژوهش نصرالله صالحی، مبنای اصلی نوشتار حاضر را شکل می‌دهند، با این حال، این منابع کمتر به نقش روزنامه‌های فارسی زبان استانبول در انقلاب مشروطه ایران می‌پردازند و بیشتر در لابه لای مطالب به صورت پراکنده اشاراتی دارند. با وجود این پیشینه، انجام پژوهشی مستقل و مستند با رویکرد تاریخی و تحلیلی که با توجه به شرایط سیاسی-تاریخی ایران در عصر قاجار به بررسی این موضوع بپردازد، ضروری به نظر می‌رسد.

مطبوعات فارسی زبان برون مرزی در عصر قاجار

مطبوعات با ارائه و تبیین مناسب برنامه‌ها و توزیع و گسترش اندیشه‌ها و طرح‌های نو و سازنده، می‌توانند افراد جامعه را با نیازها، امکانات و واقعیات محیط اجتماعی و فرهنگی خود آشنا نموده و همچنین با ارائه الگوهای مناسب رفتاری، جوامع را در پیشبرد اهداف خود یاری رسانند. به بیانی دیگر، مطبوعات به سبب نقش خاصی که در انتقال و انتشار فرهنگ و ترسیم شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع ایفا می‌کنند، می‌توانند منشأ تحولات اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای شوند. (Caroll, 2004: 41) نخستین روزنامه‌هایی که در ایران عصر ناصری و نیز بعد از آن تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه منتشر شدند، تقریباً همگی ناشر افکار و نظریات حکومت وقت و سخنگوی دولت بودند و به همین دلیل چندان مورد



استقبال و توجه مردم قرار نمی گرفتند. (Nabavi, 2009: 46) همچنین اخبار و مسائل سیاسی اروپا که در قالب بولتن محرمانه‌ای برای شاه تهیه می‌شد، راه به این مطبوعات نمی‌برد؛ چرا که آگاهی نسبت به چنین اخبار و مسائلی را برای عامه ایرانیان مصلحت نمی‌دانستند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۵۰) به این ترتیب وظیفه آشنا ساختن ملت ایران با ارزش‌های مدرن غربی را، روزنامه‌هایی که خارج از ایران چاپ و به طور مخفی وارد ایران می‌شدند، بر عهده گرفتند. (جهانگلو، ۱۳۷۹: ۸۹)

به نوشته «گوئل کهن» روزنامه‌ها و نشریات، چنان فضای دموکراتیک و نیروی پویای فرهنگی و سیاسی را در بطن جامعه ایران عصر قاجار پدیدار ساختند که در مدتی بسیار کوتاه، توده ناآگاه و جوانان سرخورده دوران استبداد را با الفبای نوین سیاسی آشنا نمودند. (کهن، ۱۳۶۲: ۲۱/۱) در واقع از عوامل مهم شکل‌گیری افکار عمومی جدید در ایران دوره ناصرالدین شاه، مطبوعاتی بود که در خارج از ایران منتشر می‌شد. (رضوانی، ۲۵۳۶: ۳۳-۳۴) مطبوعات تبعیدی فارسی زبان که تعداد آن‌ها تا آغاز قرن بیستم، ۲۲ عنوان بود، در هندوستان، مصر، عثمانی، فرانسه و انگلستان انتشار می‌یافتند و عمدتاً توزیع آن‌ها در داخل کشور از سوی ناصرالدین شاه ممنوع شده بود و حتی برای مقابله با آنها بعضاً روزنامه‌هایی نیز، از سوی وزارت انطباعات انتشار می‌یافت. مطبوعات ملی مذکور به حکومت قاجار، حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد می‌کردند و برقراری عدالت، آزادی، آزادی مطبوعات، برقراری نظام پارلمانی و غیره را خواستار بودند. این افکار و عقاید به وسیله الگوی چند مرحله‌ای نشر پیام‌ها به وسیله انجمن‌ها، شب‌نامه‌ها، نخبگان جامعه و روزنامه‌نگاران در میان آحاد مردم در شهرهای بزرگ مانند تهران، تبریز، رشت، اصفهان، شیراز و غیره اشاعه می‌یافت. مهم‌ترین این روزنامه‌ها عبارت بودند از: «اختر» (هفتگی، ۱۸۷۵ م، استانبول)، «عروة الوثقی» (۱۸۸۲ م، هفتگی، پاریس)، «قانون» (۱۸۹۰ م، ماهانه،

لندن)، «شاهسون» (۱۸۸۹ م، ماهانه، استانبول)، «حکمت» (۱۸۹۲ م، ماهانه، قاهره)، «حبل المتین» (۱۸۹۳ م، هفتگی، کلکته)، «ثریا» (۱۸۹۸ م، هفتگی، قاهره) و «پرورش» (۱۹۰۰ م، هفتگی، قاهره) (مولانا، ۱۳۵۸: ۹۷). از جمله ویژگی‌های محتوای مطبوعات ملی خارج از کشور در آن دوره، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- محتوای آنها بیشتر جنبه اجتماعی، سیاسی و تفسیری داشت و کم‌تر به اخبار داخلی و خارجی دولت می‌پرداختند.

- اغلب نویسندگان و ناشران، آزادی خواه، مشروطه طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی بودند.

- هم‌جراید و هم‌نویسندگان، بی‌نهایت تحت تأثیر نظام اجتماعی سیاسی اروپا و الگوی اداری و مملکتی و حکومتی کشورهای اروپایی بویژه انگلستان، فرانسه، بلژیک، فرانسه و سوئیس بودند.

- مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیان ایران و روشنگران در اروپا و تحصیل کرده‌های خارجی ایران تعاملی ایجاد کنند و میدان را برای مبارزات آینده آماده سازند. (همان: ۱۰۹-۱۱۰)

در اوان انقلاب مشروطه، نشریات متعددی از آزادی خواهان ایران در استانبول، بمبئی، کلکته، مصر و لندن منتشر و با تحمل سختی‌های فراوان و به‌طور پنهانی در داخل توزیع می‌شد. این‌جراید را بازرگانان، جهانگردان و همچنین زوار به ایران منتقل می‌کردند و از این راه در ترویج افکار نو و علاقه مند کردن مردم به حکومت قانون در کشور می‌کوشیدند. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۹) بی‌اعتنایی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی و وضع راکد کشور، آزدگی روشنفکران و آزادی خواهان ایران را به همراه داشت؛ به طوری که در اواخر سلطنت این پادشاه، عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادی خواهان ایرانی به کشورهای اروپا و نیز به هندوستان و مصر و عثمانی مهاجرت



کردند. زندگی داوطلبانه این عده در سال‌های بعد، هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایران را در اروپا و آسیا بوجود و فصل خاصی در تاریخ مطبوعات قبل از مشروطه ایران پدید آورد. (ذاکر حسینی، ۱۳۷۵: ۴۲). در این میان، عثمانی و بویژه «استانبول» به خاطر همسایگی با ایران و قرابت‌های فرهنگی و تمدنی، یکی از مراکز اصلی شکل‌گیری روزنامه‌های فارسی زبان توسط ایرانیان بود.

روزنامه‌های فارسی زبان استانبول

نحوه تأثیرگذاری امپراتوری عثمانی (ترکیه) بر انقلاب مشروطه ایران از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. یک بُعد آن مربوط به رجال سیاسی و مذهبی دوران قاجار است که به نحوی از وضعیت داخلی امپراتوری عثمانی متأثر شده و در پی ایجاد اصلاح و تحول در ساخت سیاسی- اداری کشور برآمدند. بُعد دیگر آن مربوط به فعالیت روشنفکران و بازرگانانی است که با حضور در امپراتوری عثمانی از آن تأثیر پذیرفته و برای ایجاد تحول در ایران از آن الهام می‌گرفتند. بعد سوم مربوط به تأثیرگذاری مستقیم امپراتوری عثمانی در انقلاب مشروطه و بعد چهارم مربوط به فعالیت روزنامه‌های ایرانی مقیم استانبول است. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۱)

استانبول به عنوان یکی از مهم‌ترین منازل تجدد ایران در امتداد کاروان تجدد غرب، واسطه ارتباط ایران با دنیای غرب بود که دو دوره مهم را در بر می‌گیرد؛ دوره نخست که می‌توان آن را دوره تجدد آزادی خواهان نامید، دهه‌های پایانی قرن نوزدهم را در بر می‌گیرد که در آن ایرانیان مقیم استانبول با افکار تنظیمات آشنا شدند و کسانی که از استبداد قاجاریه بدان پناه برده بودند، زمینه‌های انقلاب مشروطیت ایران را فراهم آوردند. دوره دوم که می‌توان آن را دوره تجدد مشروطه طلبانه نامید، سال‌های نخستین قرن بیستم است که در آن مهاجرین دوره استبداد صغیر در این شهر با ترکان جوان هم آواز گردیدند و استقرار واقعی مشروطیت و اخذ تمدن جدید را خواستار



شدند. (احمدیان، ۱۳۸۴: ۴۸) برای ایرانیان، استانبول از لحاظ گوناگون محل مناسبی بود: نخست آنکه دارالاسلام بود و مرکز خلافت و زندگی در آن از زندگی در سرزمین کفار راحت تر و پسندیده تر بود. مضاف بر آن اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی را نیز نباید از یاد برد؛ مهاجران در این شهر هم با افکار غربی تماس داشتند و هم به ایران نزدیک و هم از آزار دولت قاجار در امان بودند. گروه‌های مختلف ایرانی در استانبول با استفاده از کمک مالی تجار، بیمارستان و مدارس ایرانی و انجمن‌ها و روزنامه‌ها تأسیس کردند. (عابدی، ۱۳۷۷: ۱۲۴)

روزنامه به عنوان قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی در ایران و عثمانی آن زمان گسترش فوق العاده‌ای یافت و عمده روشنفکران یا خود روزنامه نگار بودند یا در جراید ترقی خواه و انقلابی آن روزگار قلم می‌زدند. روزنامه نگاران این دوره - قرن نوزده و اوایل قرن بیستم - آمیزه‌ای از آزادی خواهان تحصیل کرده خارج و ایرانیان معتقد به اصلاحات نظیر غرب بودند که سیاست و اصلاحات مملکتی را با حرفه روزنامه نگاری به هم آمیختند و اغلب آنان اهل علم و ادب بودند. (قاسمی پور، ۱۳۷۷: ۵۷۳)

در تاریخ مشروطه ایران بین روزنامه‌های فارسی زبان خارج کشور، آن‌ها که در استانبول منتشر می‌شدند، جایگاه خاصی داشتند؛ چراکه: ۱- ارتباط ایران با اروپا عمدتاً از طریق خاک عثمانی امکان پذیر بود. ۲- در کشور عثمانی ظاهراً حکومتی اسلامی استقرار داشت. ۳- زبان ترکی رایج در عثمانی در موارد متعدد با زبان رایج در آذربایجان ایران یکسان بود و ارتباط‌های انسانی را فوق العاده آسان می‌کرد. ۴- از نظر وضعیت دولت حاکم، ایران و عثمانی بسیار به یکدیگر شباهت داشتند. (ابوترابیان، ۱۳۸۶: ۲۲۰) استانبول در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم علاوه بر آنکه کانون فعالیت‌های ترقی خواهی و تجدد طلبی مسلمانان آسیای مرکزی و پناهگاهی برای مبارزان گریخته از سلطه حکومت‌های این منطقه بود، نقش بسیار



مهمی نیز در روند تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران داشت و از طریق چاپ روزنامه ها و کتاب‌های ترقی پروران و تجددخواهان ایران در به ثمر نشستن پیروزی انقلاب مشروطیت ایران مشارکت داشت. (انوشه، ۱۳۸۳: ۷۱)

اختر

سابقه انتشار روزنامه‌های فارسی زبان در استانبول به روزنامه اختر باز می‌گردد. این روزنامه، مهم‌ترین و معروف‌ترین روزنامه ای بود که در دوران ناصرالدین شاه، از سال ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ق به مدت ۲۲ سال در استانبول، توسط دو روزنامه نگار جوان به نام میرزا مهدی و محمد طاهر تبریزی به صورت پیوسته انتشار یافت. (برزین، ۱۳۷۱: ۳۵) در زمان انتشار روزنامه اختر، «استانبول پایتخت جهان اسلام و مرکز تحول و تفکر جدید در جهت مدرنیزه شدن بود. این شهر به نوعی مرکز کسانی بود که در اندیشه نوآوری در اسلام بودند. به تعبیری می‌توان گفت که استانبول مرکز فرهنگی جهان اسلام بود. (ناصری، ۱۳۸۶: ۴۹) نویسندگان زیادی چون میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی، میرزا یوسف مستشارالدوله، زین العابدین مراغه ای و دیگران در آن مقاله می‌نوشتند. (رجائی، ۱۳۸۰: ۶۳) اختر در دوران ۲۲ ساله انتشار خود، روزنامه نگاری ایران را وارد مرحله جدیدی کرد و به نضج آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جدید کمک شایانی کرد. این روشنگری با انتقاد ملایمی آغاز گشت؛ اما به مرور بر اثر وطن‌فروشی‌ها و زد و بندهای سیاسی با دول بیگانه و تشدید اختناق داخلی، به جدال بین حکومت مستبد قاجار و اندیشمندان و روزنامه نگاران خارج از کشور تبدیل شد. (سرافرازی، ۱۳۸۹: ۵۴)

اختر سرآغاز موج نوین روزنامه نگاری متعهد و مسئول بود و توانست پایه‌های تحول فرهنگی انقلاب مشروطه را استوار سازد. (علی آبادی، ۱۳۷۹: ۱۰۵) این روزنامه، مستقیم و غیر مستقیم تمام سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و اداری ایران را به باد انتقاد



می‌گرفت. قانون و قانون خواهی اولین دغدغه روزنامه اختر و نویسندگان این روزنامه آزادیخواه بود. اختر توجه ویژه‌ای به مساوات و قانون و اجرای آن برای به ثمر رسیدن عدالت سخن می‌گوید که نتیجه عدالت نیز امنیت است. (اختر، سال ۱۲، ش ۱۱)

گرچه ضرورت وجود قانون و لزوم حکومت مبتنی بر قانون در جامعه، سال‌ها قبل از انتشار اختر در ایران رواج یافت، اما نقشی که اختر در این زمینه ایفا نمود، قابل ستایش است. (قدیمی و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۴۰) محتوای اختر بویژه انتشار مطالبی درباره رعایت حقوق اجتماعی و فردی و لزوم دخالت مردم در سرنوشت خود، همچنین انتقاد از ساختار دولت و وضع سفارتخانه‌های ایران، آن چنان ناصرالدین شاه را پریشان خاطر ساخت که وی از تمام امکانات خود برای جلوگیری از ورود این روزنامه به داخل ایران استفاده نمود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۱۹۶)

محتوای روزنامه اختر از جهت پراکندن بذر قانون خواهی، تجدد سیاسی همچون ناسیونالیسم، وطن خواهی، جدایی قوای مملکتی (تفکیک قوا)، تعقیب و تشویق آموزش و پرورش نوین و لزوم افزودن به سطح آگاهی‌های مردم ایران، که اکثر این مفاهیم نشأت گرفته از اروپای سده ۱۸ و ۱۹ میلادی بود، بسیار مورد توجه نوخواهان ایران قرار گرفت و تأثیر فراوانی در گرایش مردم به افکار جدید که در نهایت طی روندی منجر به انقلاب مشروطیت ایران شد، بر جای گذاشت. (ذاکر حسینی، ۱۳۷۵: ۴۴)

رویکرد دیگر نویسندگان اختر بر محور توضیح و تبیین مفاهیم و نظام‌های جدید سیاسی اروپا چون «جمهوری خواهی» و ارائه دیدگاه‌هایی در مورد این شیوه حکومت استوار بود. اگرچه رویکرد غالب در روزنامه اختر، مشروطه خواه و لیبرال بود؛ اما در کنار آن سعی می‌کرد خوانندگان خود را با نوع دیگری از حکومت در اروپا هم آشنا کند. حکومتی که آزادتر و مترقی‌تر از حکومت مشروطه سلطنتی به شمار می‌رفت. از دید اختر «در حکومت جمهوری تنها نظامات قوانین را مطاع دانسته رئیس و اجزای



دولت و عموم مأمورین و رعیت را در نظرگاه قوانین به طور مساوی می‌دانند و اتباع محافظت از آن را وظیفه عمومی خویش می‌شمارند. رئیس جمهور را جز اینکه وظایف سمتیه و ریاست را ایفا کند، تکلیفی ندارد و رأی و مقاصد او تأثیر آشکاری در کارها ندارد». (اختر، سال ۲، ش ۵۵) در واقع یکی از بحث‌هایی که اختر در مدت ۲۰ سال انتشار خود دنبال می‌کرد، موضوع جمهوریت است. در اختر به محاسن جمهوریت اشاره می‌شد و توضیح داده می‌شد که نظام جمهوری نظامی بسیار مطلوب است، مشروط به اینکه مردم آگاهی لازم را داشته باشند. به همین دلیل است که پس از طرح این مسئله در مورد ضرورت آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت بحث می‌کند. (ناصری، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۳)

محتویات اختر بویژه مقالات میرزا مهدی و محمدطاهر، عامل مهمی در بسط و توسعه افکار جدید در ایران بود. تأثیر روزنامه اختر به حدی بوده است که تقی زاده آن را در کنار مطالعه آثار طالبوف تبریزی و میرزا ملکم خان، در ردیف عوامل مؤثر بر طرز فکر خود قرار می‌دهد و می‌نویسد «مطالعه مرتب روزنامه اختر به حدی در شکل دادن افکار من مؤثر بود که در سال ۱۳۱۶ ق حوزه ای از اشخاص متجدد در تبریز تشکیل دادیم». (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۹۶) همچنین انتشار اختر در عثمانی سبب شد تا عده ای از آزادی خواهان ایرانی مهاجر در استانبول دور هم گرد آیند. دولت عثمانی هم به دلیل مخالفت با حکومت ایران، اجازه فعالیت روزنامه اختر را می‌داد. هدف اصلی اختر آگاه ساختن مردم از وضعیت ایران در آن دوره و مقایسه آن با ممالک راقیه بود. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۰)

یکی از اقدامات جالب «اختر» انتشار متن کامل قانون اساسی ۱۱۹ ماده‌ای «مدحت پاشا» در اوایل سال ۱۸۷۷ م. بود که در انتشار اندیشه‌های مشروطه خواهی در ایران اهمیت زیادی دارد. بدین ترتیب سی سال قبل از نهضت مشروطه، روزنامه اختر در

مورد ترتیبات و تشکیلات لازم حکومت مشروطه آشنایی فکری داده بود. (مولانا، ۱۳۵۸: ۹۸) کسروی در مورد تأثیرگذاری روزنامه اختر بر فرهنگ طبقه تحصیل کرده به این گفته حاجی میرزا حسین رشیدی^۵ بنیان گذار مدرسه در ایران که با دروسهای فراوانی اولین مدارس جدید را در ایران تأسیس کرد. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۵۹۱)، اشاره می‌کند که وی را برای رفتن به بیروت و یادگرفتن شیوه نوین آموزگاری گفتاری از اختر برانگیخت. (کسروی، ۱۳۳۰: ۶۲۴-۶۸۶)

اختر در بررسی و تبیین نقش دولت و مردم در اقتصاد به شدت متأثر از لیبرالیسم اقتصادی اروپای آن روز است. به همین دلیل است که دو پیشنهاد به دولت ایران ارائه می‌دهد: نخست از دولت می‌خواهد برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی امنیت لازم را ایجاد نماید، دوم اینکه خواستار عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. (ناصری، ۱۳۸۶: ۴۹) علاوه بر این روزنامه اختر که ۳۲ سال پیش از انقلاب مشروطه منتشر می‌شد، جایگاه ویژه‌ای در ایجاد تفکر پارلمانی داشت. این نشریه در کنار نظریه پردازی از انواع مجالس گوناگون در کشورهای مختلف نظیر مجلس شورا، مجلس سنا، شورای شهر و غیره سخن به میان می‌آورد. (نصر، ۱۳۸۶: ۱۰۱) تطبیق اندیشه‌های آزادی خواهانه از یک سو و افکار دینی و فرهنگ خودی از مهم‌ترین هنرهای روزنامه اختر است.

مندرجات «اختر» در بیداری افکار و پیدایش مشروطیت نقش عمده‌ای داشت. به طوری که ادوارد براون آن را «تنها جریده قابل مطالعه در دوره تیره و تار استبداد دانسته است که مردم را با اوضاع کشورهای درگیر انقلاب و اصلاحات آشنا می‌ساخت». (صدر هاشمی، ۱/۱۳۶۴: ۶۳) محیط طباطبائی می‌گوید: «روزنامه اختر مدت بیست سال متوالی جلوه گاه افکار ایرانیان از وطن دورافتاده‌ای بود که هنوز به سعادت و ترقی و تحول اوضاع کشور خود امیدوار بودند» (محیط طباطبائی، ۱۳۶۶:



۳۹) کسروی معتقد است، گفتارهای آن مایه بیداری کسان بسیار گردیده است. (رئیس نیا، ۱۳۷۴: ۲۷۷) یحیی دولت آبادی، اختر را یگانه آینه ای برای انعکاس افکار بیداران ملت به زبان فارسی می‌داند. (تقی زاده، ۱۳۷۸: ۲۷) به اعتقاد حامد الگار، روزنامه اختر بدون شک متأثر از جراید ترک بود که در دهه قبل در آنجا بسط و توسط یافته بودند. (آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۲) به باور گوئل کهن «روزنامه اختر مطبوعات ایران را از چارچوب تنگ ژورنالیسم دولتی ایران بیرون کشید و باعث تولد ژورنالیسم سیاسی - مردمی شد». (کهن، ۱۳۶۲: ۱۰۲) محمدعلی تربیت می‌نویسد: «اختر در تمام ادوار انتشار خود، مشعل فروزان محافل روشنفکران و مرکز اجتماع افاضل و دانشمندان تبعید شده ایران بود». (تربیت، ۱۳۱۴: ۸۴) سرانجام، روزنامه اختر با فشار دولت ایران تعطیل شد. (آبادیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷؛ اتحادیه مافی، ۱۳۶۱: ۲۸۶) در یکی از رساله‌های عصر مشروطه در این باره آمده است که شیاطین دولتی عثمانی و ایرانی موجب تعطیلی نیکو رقم اختر شدند. (کسروی، ۱۳۳۰: ۶۸۷/۳؛ صالحی، ۱۳۸۹: ۸۹۷)

شمس

روزنامه «شمس» با صاحب امتیازی و سردبیری «سید محمد تبریزی» در تاریخ ۸ شعبان ۱۳۲۶ ق در استانبول و به زبان فارسی منتشر شد. مدیر مسئول این روزنامه هفتگی «محمد توفیق» تبعه دولت عثمانی بود. (حسنی، ۱۳۸۷: ۴۰) در اولین شماره روزنامه شمس، عکس میرزا نصرالله ملک المتکلمین چاپ شده و پس از ذکر مقدمه - ای، اینگونه بیان می‌شود که «ما به نشر روزنامه هفتگی که از منافع و نشر مقاصد ملی در او ذکر شود مبادرت ورزیده و بدیهی است که با فداکاری یک تن این مقصد مقدس حاصل نخواهد شد». (شمس، سال ۱، ش ۱) از سوئی در رابطه با مسئول تبعه عثمانی، مدیریت شمس به ارفع الدوله سفیر ایران در عثمانی، پاسخ می‌دهد که چون طبق قانون مطبوعات عثمانی هر روزنامه باید یک نفر مسئول تبعه عثمانی داشته باشد،



لذا هر کس در مورد مطالب روزنامه ادعا و شکایتی دارد باید به محاکم محلی مراجعه نماید. (همان، سال ۲، ش ۷) سید حسن تبریزی که صاحب «کتابخانه شمس» در استانبول بود، با اقدام به انتشار این روزنامه در دوران استبداد صغیر، بزرگ‌ترین گام آزادی خواهانه را برای دمیدن روح امید به مبارزانی که در آذربایجان و خصوصاً در تبریز به مقاومت علیه قشون اعزامی محمدعلی شاه می‌پرداختند، برداشت. محتوای مطالب سال اول شمس که با دوران استبداد صغیر همزمان است، به خوبی نشانگر نقش این روزنامه در پیروزی مشروطه خواهان و اعاده مشروطه در ایران است. شمس در یکی از شماره‌های سال دوم خود به صورت گذرا به این مسأله چنین اشاره کرده است: «شمس پس از آنکه در اسلامبول اعلان مشروطیت گردید و در ایران اهالی مظلوم گرفتار پنجه استبداد بود، محض خدمت به وطن و ابنای وطن عزیز، اقدام بدین خدمت گران قیمت نموده و هر گونه ضرر جانی و مالی را بر خود هموار و به نشر و طبع او پرداختیم و با وسایل متنوعه به همه نقاط ایران رساند، و باعث خدمات گوناگون و به خلاف مأمول ترقیات بی‌شمار شدیم». (همان)

سید حسن تبریزی در سرمقاله نخستین شماره شمس، روزنامه را «اولین اساس ترقی و تمدن و نخستین نقطه عمران و آبادی مملکت» قلمداد می‌کند و از «خداوندان افکار صائبه و صاحبان مدارک عالیه می‌خواهد که اداره روزنامه را در نیل به مقصد مقدس که همان سخن از یگانگی سرودن و آیین داد و کنکاش را ستودن است، یاری رسانند». (همان، سال ۱، ش ۱) این سخن از یگانگی سرودن، پس از چند ماه جای خود را به مقصود دیگری که همراه با تعارض و برخورد است، یعنی «نجات وطن و خلاصی هموطنان از گرداب بلا» می‌دهد. (همان، سال ۱، ش ۲۵) طبعاً در این مسلک برخلاف اولی خصمی وجود دارد که باید علیه آن مبارزه کرد. شمس در اینجا خود را مروج «احکام مقدس حجج اسلام» و زمینه ساز «پیشرفت اوامر انجمن ایالتی [تبریز] و



اشاعه [دهنده] مقاصد حریت پروران و مجاهدان و اتحاد افکار ایرانیان» قلمداد می‌کند و می‌نویسد: «همیشه مسلک ما از آغاز این خدمت از یاه و سرایی و بیهوده گویی و غرض ورزی و تطویلات لاطائل و معاندت شخصی و هواخواهی شخص دور بوده و اگر در جریده هم اسم شخصی برده شده برای شناساندن مخالف از موافق و خدمتگذار از خیانتکار بوده است». (همان) بدین ترتیب وجود دو گفتمان طی دو سال نخست انتشار شمس آشکار می‌شود: نخست آنان که برای حذف مشروطیت از حیات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران تلاش می‌کردند و حامیان ایشان؛ دیگر آنان که برای احیای مشروطیت از دست رفته کوشش می‌کردند و طرفداران ایشان. (حسینی، ۱۳۸۷: ۵۰)

شمس به مشروطه خواهان و مساعی ایشان با بکاربردن صفاتی چون «شهید حریت»، «فدایی وطن»، «بیدارکننده ملت»، «آبروی ایرانیان»، «قاصدان عرصه دین»، «عالمان علم یقین»، «شیرمردان روز نبرد»، «احرار دین»، «علمای حقه»، «مجسمه غیرت»، «جهدکنندگان در رکاب امام زمان»، «مجاهدان طریق انسانیت و آزادی» و غیره مشروعیت می‌بخشد و دیگران را به حمایت از ایشان فرامی‌خواند. در مقابل، برای مشروعیت زدایی از مخالفان و معارضان مشروطیت، آنان را به پست‌ترین صفات می‌خواند و بعضاً از زبان خود و اکثراً از زبان و قلم عالمان دین ایشان را به کفر و الحاد متهم می‌کند. شمس در ترسیم راهبرد مبارزاتی به تعیین هدف و معرفی خصم و شیوه‌های عمل نیز می‌پردازد. استقرار مشروطیت که «اساس شریعت و اسلامیت» (شمس، سال ۱، ش ۲۰) و «کعبه آمال ایرانیان» (همان، سال ۱، ش ۴) است، هدف نهایی است. زیرا حاکمیت ملت، تنها از طریق به تعبیر آیت الله خراسانی «دولت حقه» که همان دولت مشروطه است (همان، سال ۱، ش ۶) تحقق می‌یابد و برخلاف گذشته «دولت عبارت از هیئت اجتماعیه ملت است، نه شخص واحد که نام او را

رئیس و شاه نهاده‌اند. شخص رئیس و شاه نوکرِ محترم ملت است». (همان، سال ۱، ش ۸) چنین دولتی با سه چیز ممکن است قائم و پاینده بماند: «عدالت، آزادی و مساوات» و تحقق این امر به دست نمایندگان ملت در مجلس شورای ملی که «کعبه مقصود» است، شدنی می‌شود. (همان)

مندرجات شمس، بیشتر وقایع مربوط به ایران و یا ترجمه مطالب و اخباری است که روزنامه‌های خارجی درباره ایران نوشته‌اند و چون روزنامه در خارج ایران منتشر می‌شده و نویسندگان آن فکری باز و قلمی آزاد داشته، از این جهت بدون پروا و مانع در قضایا بحث و گفت و گو می‌نماید و ضمن بدگویی از خائنان و درباریان به حمایت از مشروطه و مشروطه خواهان می‌پردازد. (شکوری، ۱۳۸۶: ۷۶) شمس به عموم ملت هشدار داده که آگاه بوده و فریب نخورند و بدانند «اگر اتحاد و اتفاق کردند به مقصد خود خواهند رسید و گرنه در بیابان تنهایی اسیر پنجه غولان خواهند گشت. یعنی اسمی از استقلال و ملیت و دین برایشان باقی نخواهند ماند یعنی نخواهد گذاشت که بماند». (شمس، سال ۱، ش ۴۸) این روزنامه، پایه و مبنای مملکت داری را بر انصاف و حق شناسی می‌داند و در این مورد، قانون اساسی و اصول مشروطیت را نیز از آثار انصاف و حق شناسی به حساب می‌آورد؛ تا جایی که می‌نویسد «اگر صفت انصاف و حق شناسی در هر کس یافت نشود، او را باید بیگانه از عالم انسانیت مردمی دانست زیرا حریت و مساوات، آزادی و برابری در روش و کردار، حقوق زندگانی به حکم شرع و عقل، حق صریح افراد هیأت اجتماعیه انبای بشر است و بسته به برطرف شدن قانون ظلم و استبداد و تابش انوار عدل و داد است». (گزیده‌هایی از روزنامه شمس، ۱۳۸۶: ۱۴۳)

روزنامه شمس یکی از واقع‌گراترین نشریاتی است که در صدر مشروطیت انتشار یافته است و این نکته‌ای است که با توجه به مطالب گوناگون مندرج در آن می‌تواند



قابل اثبات باشد. از جمله آن‌ها مقاله ای است در باب آزادی و مساوات (که دو شعار مهم مشروطه خواهان بود) که در شماره هفتم سال دوم شمس به چاپ رسیده و در آن تعبیرهایی وجود دارد که بیش از هر چیز گویای دیدگاه منصفانه گردانندگان نشریه است. این مقاله به خوبی نشان می‌دهد که در آن دوران، غلبه احساسات به تعقل نویسندگان شمس تا چه حد واقع بینانه به مسائل می‌نگریستند و چگونه به رغم قلت معلومات سیاسی در بین نویسندگان جراید آن زمان، تشخیص داده بودند که بسیاری دانسته یا ندانسته درصدد گزینش روش‌های التقاطی در امر حاکمیت برخوانند آمد و مبانی مشروطیت را به انواع رنگ‌های جاذب و جالب^۵ که از فریبندگی خاصی برخوردارند - آلوده خواهند کرد. در این راستا، شمس ضمن توجیه دو مقوله آزادی و مساوات، می‌کوشد تا مردم را هوشیار کند و هشدار دهد که در راه رسیدن به آزادی از مقوله «لیبرالیسم» بپرهیزند و نیز در مسیر دستیابی به مساوات در پی مرام «کمونیسم» برنیایند. (شمس، سال ۲، ش ۷)

مقالات منتشره در روزنامه شمس را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست مقالاتی که مربوط به انقلاب ایران و روابط ایران و عثمانی است، دوم مقالات درباره اندیشه‌های راجع به مسائل ایدئولوژیک و فلسفی مرتبط با مشروطیت، لیبرالیسم دموکراسی و غیره، و بالاخره مقالات بسیار مهم درباره سرگذشت ایرانیان مقیم استانبول و فعالیت انجمن سعادت. شمس به انقلاب ترکان جوان نیز توجه داشت و مقالاتی درباره فعالیت آزادیخواهان ترک منتشر می‌کرد. از بین مطبوعات فارسی زبان که بعد از اختر در استانبول انتشار یافتند، روزنامه شمس از اهمیت ویژه ای برخوردار بود؛ چراکه اولاً اداره کننده آن بسیار بی پروا به تشریح مسائل سیاسی و اجتماعی ایران می‌پرداخت و ثانیاً، از جهت ارج نهادن به مقوله آزادی قلم، مورد توجه مردم ایران قرار داشت و نسخه‌هایش پس از ورود به ایران دست به دست می‌گشت و بازار



سیاه پیدا می‌کرد. (ابوترابیان، ۱۳۸۶: ۲۲۰) به اعتقاد کسروی، این روزنامه «ناشایندگی‌هایی» نیز داشت (از جمله به خاطر تعریف کردن از حاج صمدخان و ارفع الدوله) با این حال وی عنوان می‌کند که «در آن هنگام در استانبول به یک روزنامه فارسی نیاز بسیار می‌بود و این روزنامه نیز یاوری به پیشرفت کار تبریز کرده است». (کسروی، ۱۳۳۰: ۱۹۷/۳) هفته نامه شمس (که البته باید آن را طبق عرف غلط رایج «روزنامه» بخوانیم) حدود سه سال انتشار یافت و طی این مدت، بسته به وضعیت حاکم بر ایران و نیز سیاست دولت عثمانی، مسائل و مطالب گوناگونی را به چاپ رساند که گاه تند، گاه ملایم، گاه انتقادی و گاه خشونت بار بوده است.

شاهسون

روزنامه شاهسون در استانبول با طبع ژلاتین در سال ۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۹ م. تأسیس و منتشر شد: «روزنامه بذل سرا منطبعه اسلامبول با ژلاتین در حدود سال ۱۳۰۶ هجری قمری از طرف حاجی عبدالرحیم طالبوف و سید محمد شبستری فقط یک شماره منتشر شده است». (شکوری، ۱۳۸۶: ۷۴) طالبوف مدیر و مؤسس روزنامه شاهسون که به علت انتشار کتاب «احمد» یا «سفینه طالبی» در ایران شهرت زیادی دارد، از کسانی بوده که نوشته‌هایش کمک بزرگی به برقراری مشروطیت نموده است. شاهسون مخفیانه در استانبول منتشر می‌شد، بدین گونه آن را باید پدر روزنامه‌های مخفی فارسی دانست. هیچ نسخه‌ای از این روزنامه در دست نیست. لیکن باتوجه به آنچه منابع متعدد نوشته‌اند، تنها شماره آن به طریقه ژلاتینی به چاپ رسیده است. از این رو باید آن را نخستین روزنامه فارسی با این نوع چاپ و چون محتوایش فکاهی بود، نخستین نشریه‌ای معرفی کرد که با این روش به زبان فارسی چاپ شده است. در بالای صفحه شاهسون نوشته بودند: «در هر چهل سال یک‌بار منتشر می‌شود». (پروین، ۱۳۷۴: ۳۲۶)



از دو نمونه‌ای که «محمد علی تربیت» از شاهسون برگزیده و «ادوارد براون» آن را ترجمه کرده (براون و تربیت، ۱۳۳۷: ۱۰۶-۱۰۷) چنین برمی‌آید که بر خلاف تصور بسیاری از محققان، این روزنامه مخفی به مفهوم شناخته شده آن کمتر سیاسی بوده و در کنار اندک تلاش‌هایی که برای آگاه نمودن مردم داشته، بیشتر به انتقادهای اجتماعی بسنده می‌کرده است. یکی از این نمونه‌ها مربوط به غیربهداشتی بودن حمام‌ها و دیگری در انتقاد از صرف وقت رجال ایران در عزاداری مذهبی است. روش این روزنامه در انتقاد اجتماعی، یک سال بعد از انتشارش در برخی از مطالب قانون چاپ لندن مورد تقلید قرار گرفت. (پروین، ۱۳۷۴: ۳۲۶)

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین عواملی که زیربنای فکری مشروطه و مقدمات آن را رقم زد، روزنامه‌ها بودند. در بررسی نقش مطبوعات در انقلاب مشروطه ایران، باید بیشترین تأثیرگذاری را از سوی روزنامه‌های برون مرزی دانست. این روزنامه‌های چاپ خارج با دغدغه اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند. ارتباط میان روزنامه‌های برون مرزی در ایران و ساختار و تحولات درونی، ارتباطی دوسویه بوده است. بیداری ایرانیان، مرهون روشننگری روزنامه‌هایی است که در دوره‌ای طولانی از پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به زبان فارسی از کلکته تا استانبول و لندن انتشار یافتند و به انگیزه مخالفت با استبداد حاکم پنهان به ایران فرستاده می‌شدند. تأثیر این روزنامه‌ها از تحول در روابط بین‌اقتشار مختلف مردم تا تغییر در نهادها و ایجاد نهادهای جدید و تغییر در اذهان و افکار و نهایتاً پیدایش مشروطیت را در بر می‌گیرد. روزنامه‌های فارسی زبان استانبول (اختر، شمس، شاهسون) در شناخت تاریخ تجدد در ایران عصر قاجار و در انعکاس و توضیح و تبیین مفاهیم و مقولاتی همچون آزادی، دموکراسی، ملیت، استقلال، قانون

خواهی و غیره در جامعه ایران نقش ارزنده‌ای را ایفا نمودند. بر این اساس می‌توان استانبول را یکی از پایگاه‌های تحولات فکری و فرهنگی ایرانیان در آستانه انقلاب مشروطه نامید.

منابع

الف) روزنامه‌ها

اختر، سال ۲، شماره ۵۵، ۱۱ ربیع الاول ۱۲۹۳ ق.

اختر، سال ۱۲، شماره ۱۱، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۳ ق.

شمس، سال ۱، ش ۱، ۶، ۸، ۲۰، ۲۵، ۴۸، ۱۳۲۶ ق.

شمس، سال ۲، ش ۷، ۱۳۲۷ ق.

ب) کتاب

آبادیان، حسین (۱۳۸۳). بحران مشروعیت در ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۰). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

آدمیت، فریدون (۱۳۶۰). شورش بر امتیاز نامه رژی، تهران: پیام.

انوشه، حسن (۱۳۸۳). دانشنامه ادب فارسی، ج ۶، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اتحادیه مافی، منصوره (۱۳۶۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی، مشروطیت، تهران: گستره.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.



- براون، ادوارد و محمد علی تربیت (۱۳۳۷). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: معرفت.
- برزین، مسعود (۱۳۷۱). شناسنامه مطبوعات ایران از سال ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷، تهران: بهجت.
- تربیت، محمد علی (۱۳۱۴). دانشمندان آذربایجان، تهران: مطبوعه مجلس.
- تقی زاده، حسن (۱۳۷۸). زندگی طوفانی من، تهران: انتشارات فردوس.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۹). ایران و مدرنیته، ترجمه حسن سامعی، تهران: گفتار.
- ذاکرحسینی، عبدالرحیم (۱۳۷۵). مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رئیس نیا، رحیم (۱۳۷۴). ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز: ستوده.
- رضوانی، محمد اسماعیل (۲۵۳۶). انقلاب مشروطیت ایران، تهران: سپهر.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). رسائل مشروطه، تهران: کویر.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴). تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان: کمال.
- قاسمی پور، اقبال (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عابدی، طالب (۱۳۷۷). «تأثیر استانبول بر حرکت‌های دولتمردان و آزادیخواهان ایرانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران.
- کسروی، احمد (۱۳۳۰). تاریخ مشروطه ایران، ج ۳، تهران: امیر کبیر.
- کهن، گوئل (۱۳۶۲). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۱-۲، تهران: آگاه.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مولانا، حمید (۱۳۵۸). سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران: دانشکده ارتباطات اجتماعی.

ناطق، هما (۱۳۸۰). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، تهران: معاصر.

ج) مقالات

ابوترابیان، حسین (۱۳۸۶). «روزنامه شمس چاپ اسلامبول»، مجله یاد، ش ۸۶، ۲۱۹-۲۲۶.

احمدیان، بهرام (۱۳۸۴). «نقش فضای فرهنگی شهر استانبول در پذیرش ادیان و مشاهیر مهاجر ایرانی»، در مجموعه مقالات «روابط ایرانیان و ترکان با غرب از سده دهم تا بیستم میلادی»، مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بنیاد تاریخ ترک.

پروین، ناصرالدین (۱۳۷۴). «اختر اسلامبول»، مجله ایران شناسی، سال هفتم، ش ۲. حسنی، عطاءالله (۱۳۸۷). «تحلیل محتوایی شمس استانبول»، دانشگاه تهران، دوره ۵۹، ش ۱۸۵.

رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۰). «نقش دولت و مردم در اقتصاد از نگاه روزنامه اختر»، فرهنگ اصفهان، ش ۱.

رنجبر، مقصود (۱۳۸۷). «انقلاب مشروطه در ایران و نقش امپراتوری عثمانی»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۳۶.

سرافرازی، عباس (۱۳۸۹). «نقش روزنامه‌های فارسی چاپ هند در انقلاب مشروطه ایران»، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، ش ۲.

شکوری، زینب (۱۳۸۶). «آشنایی با جراید فارسی اسلامبول»، مجله یاد، ش ۸۵.



صالحی، نصرالله (۱۳۸۹). «افول اختر و طلوع شمس در استانبول»، پیام بهارستان، سال دوم، ش ۷.

علی آبادی، گیتا (۱۳۷۹). «مطبوعات برون مرزی فارسی زبان دوره قاجار»، رسانه، سال یازدهم، ش ۲.

قدیمی، عباس و علی صادقی (۱۳۸۸)، «رویکرد روزنامه اختر به اندیشه‌های سیاسی جدید و تحولات انقلاب فرانسه»، فصلنامه تاریخ، سال چهارم، ش ۱۴.

گزیده‌هایی از روزنامه شمس (۱۳۸۶). مجله یاد، ش ۸۵.

ناصری، یوسف (۱۳۸۶). «گفتگو با دکتر غلامرضا وطن دوست، روزنامه اختر: روزنامه معتدل»، مجله یاد، سال ۲۳، ش ۸۶.

نصر، عباس (۱۳۸۶). «آزادی، قانون و مجلس در روزنامه اختر»، مجله یاد، سال ۲۳، ش ۸۶.

(د) منابع لاتین

Caroll J, Glynn (2004). **Public Opinion**, Oxford: West view press.

Nabavi, Negin (2009). **Journalism i. Qajar Period** , Encyclopedia Iranica, Vol. XV, Fasc. 1, pp. 46-54.

Yalof, David A, Kenneth, Dautrich (2002). **The First Amendment and the Media in the Court of Public Opinion**, Cambridge UK; New York: Cambridge University press.

پرتال جامع علوم انسانی